حُکم مدارس دولتی

نویسنده

عالم شهید حمد بن عبداللّٰه الحمیدی

مترجم

ابودجانه خراسانی

مقدمه

ابوالحسن الشافعی



حُکم مدارس دولتی

نویسنده

عالم شهيد حمد بن عبدالله الحميدي

مترجم

ابودجانه خراساني

مقدمه

ابوالحسن الشافعي

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم الحمدلله القاهر فوق عباده الذي أرسل الرسل إلى عباده، ليبينوا التوحيد وليعلموعبادة والصلاة والسلام على رسول الله وأشرف عباده وعلى أصحابه وآله و بعد:

کفر به طاغوت واجبی است که از طرف الله به آن امر شده و همه ی مردم مکلف هستند که اصل و واجب و مستحب آن را به جای بیاورند و کاملترین مردم نیز از لحاظ کفر به طاغوت کسی است که هر سه بخش آن را به جای آورده باشد. مدارس دولتی بخشی از برنامه های طواغیت حاکم است که با مناهج خاص و اهداف مشخص شده آن را بر بلاد مسلمین مسلّط ساخته اند لذا کفر به این برنامه ها نیز داخل در دایره ی کفر به طاغوت است. اگر این مدارس اصل دین را هدف قرار داده و سعی در اطفای نور توحید داشته و تلاش میکند قرآن و ایمان را از قلوب مسلمین بیرون کرده و شرک را گسترش داده و اهل توحید را اذیت کرده و کفار را بر علیه آنها تایید کند و مردم را علناً بنده هایی

برای حاکم طاغوت سازد کفر به این مدارس از اصل کفر به طاغوت است و اگر این حالت نباشد پس بر حسب اختلالی که در آن وجود دارد یا واجب است و یا مستحب!

کتابی که پیش رو دارید نوشته ی کسی است که بین فضل علم و فضل جهاد جمع کرده است کسی که فتوا را کنار بخاری ها و زیر پتو و داخل قصر حاکم نداده است بلکه کسی بود که سختی های جهاد در راه الله را تحمل کرده و قدم در این راه پرمشقت نهاده و نتیجتاً در این راه اسیر شد و بعد از بیش از ده سال اسارت در زندان اعدام گشته و به درجه ی شهادت نائل گشت.

او از جمله ی علمای مجاهد بود او کسی بود که علمش را در خدمت توحید و جهاد قرار داده و شمعی از شمع های جهاد را در جزیرة العرب روشن کرد و تا قیامت این شمع مبارک خاموش نمیشود آری ایشان امام مجاهد عالم عامل، محدث بزرگوار شیخ شهید نحسبه والله حسیبه ابو عبدالله حمد بن عبدالله الحمیدي الشمری تقبله الله تعالی است.

این مقاله در اصل به نام (معذرة إلى ربكم لعلهم يتقون) میباشد که فساد مدارس دولتی را بیان میکند ولی بعد از ترجمه اش بخاطر همه فهم بودن عنوان و مطلبش به نام حکم مدارس دولتی نامیده شد.

این کتاب علی رغم کم بودن حجم و اختصار مطلبش حاوی فوائد و نکته ها و پندهای بسیار مفیدی است که لازم میباشد هر مسلمانی نسبت به آن بصیر و آگاه گردد الله متعال از برادرم ابو دجانه خراسانی - وفقه الله - راضی گشته و او را در امر نصرت دین موفق گردانیده و او را سربازی از سربازان اسلام قرار دهد که زحمت ترجمه اش را کشیده و آن را در اختیار مسلمین قرار داده است از الله متعال میخواهم در این عمل نفع و قبول و اخلاص قرار داده و زبان و قلم و مال و جان ما را در راه مبارزه با طاغوت و لشکریانش قرار دهد والحمد لله رب العالمین.

ابوالحسن الشافعی، تیرماه ۱۳۹۶

بسم الله الرحمن الرحيم

(معذرة إلى ربكم لعلهم يتقون)

سپاس باشد برای پروردگار جهانیان و کسی که قرآن را آموخته و انسان را آفریده و به او سخن گفتن را آموزش داده است پروردگار رحمان سوگند یاد کرده است و فرموده است:

﴿نٓ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾ [القلم: ١]

نون، سوگند به قلم و آنچه مینویسند.

و شهادت میدهم که به غیر از الله هیچ معبود به حق وجود ندارد و او یکتاست و هیچ شریکی ندارد و شهادت میدهم که محمد بنده و فرستاده ی الله است و با این آیه پیامبر گشته است:

﴿إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِى خَلَقَ ۝ خَلَقَ الْإِنسَانَ مِنْ عَلَقٍ ۝
إِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ۝ الَّذِى عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ۝ عَلَّمَ الْإِنسَانَ مَا
لَمْ يَعْلَمْ﴾ [العلق: ۱- ۵]

ای پیامبر بخوان به نام پروردگارت که هستی را آفرید (۱) (همان الله که انسان را از خون بسته آفرید (۲) بخوان و پروردگارت از همه بزرگوار تر است (۳) (همان) کسی که بوسیله قلم نوشتن آموخت .(۴) به انسان آنچه را که نمی دانست آموخت (۵).

و او را به یادگیری بهترین و شریفترین علوم و با فضیلترین آن امر کرده است یعنی یادگیری لا إله إلا الله، پس به او فرموده است:

﴿فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ﴾ [محمد: ۱۹]

پس ای پیامبر بدان که معبودی به حق جز الله نیست و برای گناه خود و برای مردان و زنان مؤمن آمرزش طلب کن و الله متعال محل حرکت شما و قرارگاه شما را می داند.

و این منت را بر او یادآوری کرده و می فرماید:

﴿وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّت طَّائِفَةٌ مِّنْهُمْ أَن يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِن شَيْءٍ وَأَنزَلَ اللهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا﴾ [النساء: ۱۱۳]

و اگر فضل الله متعال و رحمتش شامل حال تو نبود هر آینه گروهی از آنان قصد داشتند که تو را گمراه کنند و جز خودشان را گمراه نمیکنند و هیچ زیانی به تو نمی رسانند و الله متعال کتاب و حکمت (سنت) بر تو نازل کرد و آنچه را نمی دانستی به تو آموخت و فضل الله بر تو همیشه بزرگ بوده است.

پس صلوات و سلام الله بر پیامبر ﷺ و رسولش همان کس که یاد گرفت و وحیی را که به او شده بود ابلاغ کرد و در آخرین خطبه اش در روز عرفه فرمود: پروردگارا آیا من رساندم؟ پروردگارا شاهد باش.

و الله از اصحاب و یاران پیامبر ﷺ که همواره کتاب الله و سنت رسولش صلی الله علیه وسلم را ابلاغ میکردند راضی باشد که لسان حالشان چنین است همانا برای شما در رسول الله صلی الله علیه وسلم الگو و اسوه ی نیکویی است قطعا آنها میگفتند این عهد و پیمان پیامبر ﷺ با شما و عهد ما با شماست و الله از هر کس که تا روز قیامت از اصحاب پیروی کند راضی باشد؛ همان کسانی که چراغ در تاریکی و امامان هدایت هستند.

﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ﴾ [السجدة: ۲۴]

و از آنان پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما مردم را هدایت میکردند چون شکیبایی ورزیدند و به آیات ما یقین داشتند.

اما بعد:

▪ یادگیری علم

پس همانا از بزرگترین چیزی که رقابت کنندگان در آن تلاش میکنند و مسابقه میدهند آن یادگیری علمی است که از پیامبر ما محمد صلی الله علیه وسلم به ارث مانده و عمل به آن و تعلیمش و صبر بر آن میباشد که همه ی آن برای کسب رضایت الله متعال است.

شیخ محمد بن عبدالوهاب رحمه الله میفرماید:

«علم شناخت الله متعال و شناخت پیامبرش ﷺ و شناخت دین اسلام با دلایل میباشد و کسی جز گمراه جاهل در این علم کوتاهی نمی کند».

روش سلف صالح و خیرالقرون در گرفتن علم و نشر آن همانند روش پیامبر ﷺ در مساجد انجام میشد سپس بعد از گذشت خیر القرون و در سال ۴۵۷ هجری اولین مدرسه ی نظام درسی در شهر بغداد آغاز شد و در سال ۴۵۹ هجری به پایان رسید و همانگونه که ابن اثیر و ابن کثیر در تاریخشان یاد آور شده این مدرسه بر یک ملک غصب شده بنا نهاده شد الله متعال می فرماید:

﴿أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَم مَّنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرُفٍ هَارٍ﴾ [التوبة: ۱۰۹]

آیا کسی که اساس و بنیان آن را بر ترس از الله متعال و خشنودی (او) آن را بنا کرده بهتر است یا کسی که اساس و بنیان آن بر کنار پرتگاه سستی بنا نهاده است.

پس ای کسی که اراده ی حق داری و برای نجات و سلامتت تلاش داری ببین که الله متعال مسجد النبی صلی الله علیه وسلم را یادآور

میشود و اینکه بر تقوی بنا نهاده شد و این مدارس که اولین پایه های آن بر زمین غصب شده بنا نهاده شد. و زمانی هم که بنا شد بسیاری از سلف با آن مخالفت کردند و از جمله ی آنها علمای بخارا زمانی که از تاسیس آن شنیدند گریان شده و مخالفت خود را ابراز داشتند، سپس این مدارس قرنی بعد از دیگری توسعه یافتند و هر قرنی هم بدتر از قبلش همانگونه که پیامبر صادق المصدوق از آن خبر داده است: «هیچ زمانی بر شما نمی آید مگر اینکه ما قبلش بدتر بوده تا اینکه الله متعال را ملاقات کنید».

بخاری (۷۰۶۸) از انس روایت کرده است.

و یعقوب بن شیبه از طریق زید بن وهب روایت میکند که از عبدالله بن مسعود شنیدم فرمود: «روزی نمی آید بر شما مگر اینکه از روز قبلش شرتر است تا اینکه قیامت برپا شود منظورم فراخی زندگی نیست که به او میرسد و یا نه مالی که او را تغییر دهد بلکه هیچ روزی بر شما نمی آید مگر اینکه علم و دانایی او از روز قبل کمتر است زمانی که علما بروند مردم برابر میشوند پس نه امر به معروف میکنند و نه از

منکر نهی میکنند؛ پس در آن هنگام است که هلاک میشوند. پس به دنیای واقع نگاه کن حتی کار به جایی رسیده که مساجد تعطیل شده و فقط برای نمازهای پنجگانه است و زمانی نماز تمام شود اندک میمانند و اگر بیرون نشوند بیرونشان میکنند و به دروازه های مساجد قفل زده میشود».

■ مدارس

اما مدارس این مدارس نظامی چنان رواج یافتند که محبت آنها در دلهای مردم نشسته که اگر شخصی ارکان پنجگانه ی اسلام را ترک کند بر او خشمگین نمی شوند و شاید نصیحت شان هم نکنند مگر یک یا دو نفر و اگر شخصی این مدارس را برای رضای الله ترک کند میبینی که مردم دسته دسته و تک تک بر او انکار میکنند و میگویند آیا مرضی دارد؟ یا اینکه دیوانه شده؟ یا اینکه سحر کرده شده؟

بروید و شخصی را بیابید تا بر او قرآن بخواند شاید که برگردد!! لا إله إلا الله سبحان الله موازنه منقلب شد و فطرتها تغییر یافت و عقلها به عقب برگشتند و راست گفت پیامبر صلی الله علیه وسلم: فتنه ها مانند چوبهای حصیر بر دلها نمایان میشوند پس هر قلبی که با آن کنار بیاید یک خال سیاه بر آن حک میشود و هر قلبی که انکارش کند یک خال سفید بر آن حک میشود تا اینکه بر دو قلب متفاوت میباشد بر قلب سفیدی مانند صفا پس هیچ فتنه ای به او ضرر نمیرساند تا زمانی که آسمانها و زمین برپا باشند و دیگری سیاه خالص مانند دیگی که برعکس آویزان باشد نه نیک را میشناسد و نه منکری را انکار میکند مگر آن چیزی که با آن محبت داشته باشد (همان می کند).

📚 مسلم از حذیفه رضی الله عنه روایت کرده است.

آیا اثرات آن را دیدی؟ بلکه بدتر از آن اینست که شخصی به سبب داخل شدن تدریجی اش به فتنه ها در اول روز مومن باشد و در آخر روز به کافری مبدل شود همانگونه که پیامبر صادق المصدوق خبر داده است: «به سوی اعمال بشتابید فتنه هایی مانند شبهای تاریک میباشد

شخص در صبح مؤمن و در شب کافر می شود و شب مؤمن و صبح کافر میشود دینش را به کالای دنیا میفروشد».

📚 مسلم از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است. و در حدیث نعمان بن بشیر نیز همانند آن از احمد روایت شده است.

امام حسن رحمه الله بعد از این حدیث میفرماید:

«به الله قسم ما آنها را دیدیم تن هایی بدون عقل و جسمهای بدون حلم نشسته گان بر آتش و فرو رفته گان در طمع شب را به دو درهم صبح میکنند و صبح را به دو درهم شب، شخصی به ارزش قیمت بچه گوسفندی دینش را میفروشد».

خبردار باشید که از جمله ی این فتنه ها همین مدارس نظامی امروزه میباشد آن مدارسی که کودک در آن پرورش یافت و کهن سال در آن به پیری رسید و هیچ خانه ای در آبادی و صحرا باقی نماند مگر اینکه در آن داخل شدند، مگر کسانی که الله متعال آنها را حفاظت نموده و براستی که اندک اند.

نمیخواهم در مورد این مدارس سخنم را طولانی ،کنم بلکه میخواهم به نکته هایی اشاره کنم پس بدان ای برادر مسلمان جایز نیست برای انسان که علم را از جایی کسب کند مگر اینکه از سه امور خالی باشد؛ پس اگر یکی از این امور نباشد پس جایز نیست که از آن علم کسب شود:

۱ - پاک بودن علومی که میخواهد آن را فرا گیرد،

۲ - همنشینی که داخل مدارس است،

۳ - پیشوا.

▪ اول پاک بودن علومی که میخواهد بیاموزد از مخالفت های شریعت

زمانی که در این علوم نظر کنیم آنها را علومی مییابیم که نشر کننده ی شبهاتند، و دعوت کننده به شهوات، نزاع کننده در ولاء و براء، فریاد زننده برای وحدت ادیان و تعظیم کننده برای وحدت وطن اگر چه بعضی از علوم شرعی هم در آن میباشد اما به نسبت بقیه ی علوم غیر شرعی اندک است.

شیخ ابن تیمیه رحمه الله میگوید:

«زمانی که علوم مفضوله (ارزش اندک) علوم فاضله (ارزش والا) را در تنگنا قرار دهد فراگیری آن حرام میشود».

و همچنان که این نواقص در آن علوم میباشد وجود تصاویر هم در آن ناقصی دیگر است و منهجی نیست که از این منکر بزرگ در امان باشد

مگر بسیار اندک در حالی که پیامبر صلی الله علیه وسلم به علی رضی الله عنه فرمود: «و اینکه هیچ تصویری را نگذاری مگر اینکه آن را نابود کنی». (به روایت مسلم)

و این از جمله منکراتیست که لازم است از بین برده شود همانگونه در مسلم از ابی سعید رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود کسی که از شما منکری را ببیند باید آن را با دستش تغییر دهد و اگر نتوانست با زبانش تغییر دهد و اگر نتوانست پس با قلبش و این از ضعیف ترین درجه ی ایمان است.

- **اما ولاء و براء**

زمانی که در آن مناهج نظر کنی میبینی که دوستی و علاقه ی صمیمی خود را با کشور های کفری اظهار میکنند و به آن افتخار میکنند و همچنان علاقه ی شان با هیئت های امت های کافر و افتخار کردن به دخول در آن که در ضمن بندهای شان تعطیل کردن جهاد نیز وجود

دارد و بخاطر همین در کتابهای درسی شان نمیبینی که تشویق به جهاد کنند؛ بلکه بر خلاف آن پیگرد و جنگ با آن تحت نام مبارزه با تروریست را میبینی به جلد کتابهای امروزه که به اصطلاح علمی هستند نگاه کن بر اکثرشان شعاری نوشته شده به این مضمون: «همگی با هم علیه تروریست».

▪ اما وحدت وطن

به جشن گرفتن روز ملی مبتدعشان که مشابه دشمنان الله میباشد بنگر از اولین روزی که وارد مدرسه میشود با احترام جلوی پرچم وطنی می ایستد و سرود ملی را می سراید؛ با وجود الفاظ شرکی که در آن میباشد و همگی از سُنی گرفته تا رافضی و بی دین زیر این وحدت وطنی جمع میشوند.

■ اما نظریات کفری

اما نظریات کفری که با شریعت محمدی در آن تضاد دارد پس آوردن یک مثال در آن کافیست. از جمله این نظریات نظریه ی ثابت بودن خورشید و چرخش زمین به دور آن می باشد. امام بخاری در صحیحش میگوید در باب قوله تعالی: (وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍ لَّهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ) (یس: ۳۸)

سپس حدیث ابوذر رضی الله عنه را ذکر میکند که میفرماید نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم در وقت غروب آفتاب در مسجد بودم پس فرمود: ای ابوذر آیا میدانی خورشید کجا غروب میکند؟ گفتم الله و رسولش بهتر میدانند فرمودند: همانا خورشید میرود تا اینکه زیر عرش سجده میکند پس آن سخن الله متعال است که فرموده:(وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٌّ لَّهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ).

📚 بخاری (۴۸۰۲)

آیا قرآن و سنت را تکذیب کنیم (پناه به الله) و نظریات کفری را باور کنیم؟!

سبحانک هذا بهتان عظیم و امام بخاری در باب قَوْلِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا تَسْأَلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ عَنْ شَيْءٍ میگوید: ابن مسعود و ابن عباس رضی الله عنهم بر کسی که از اهل کتاب بپرسد انکار کردند.

پس چه رسد به آموختن علومشان و قبول کردن نظریاتشان و آموختن لغت هایشان و به تحقیق که عمر رضی الله عنه فرموده: زبان عجم ها را یاد نگیرید.

📚 بیهقی

و از آنجایی که معلوم است آموختن زبان عجم از جمله ی شباهت به آنهاست مگر هنگامی که حاکم در وقت ضرورت به آن احتیاج داشته باشد.

همانگونه که در حدیث زید بن ثابت رضی الله عنه آمده که رسول الله صلی الله علیه وسلم من را امر کرد تا بخاطرش کلماتی از کتاب یهود را بیاموزم و فرمود به الله قسم یهود را برنامه هایم مورد اطمینان نیستند زید میگوید هنوز نصف ماه نگذشته بود که به خاطرش آموختم.

و زید میگوید: زمانی که لغت یهود را فرا گرفتم پس هر زمان که برای یهود نامه مینوشت من برایشان مینوشتم و زمانی که یهود برایش نامه ای می نوشتند من برایش میخواندم.

📚 ترمذی آن را روایت و تصحیح نموده (۲۷۱۵) و همچنان ابوداود (۳۶۴۵)

و تشبه به زبانشان از تشبه به لباس و هیئت بزرگتر است و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده کسی که به قومی شبیه شود پس او هم از آنهاست.

📚 ابوداود (۴۰۳۱)

▪ دوم همنشینی که داخل مدارس است

میبینیم که روزانه نزدیک به ۳۰ دانش آموز حدود ۵ ساعت با هم اند اما هر کدامشان صاحب فکر و منهج و عقیده و اخلاق مختلف میباشد و زمانی که بیرون می رود با صدها تن دیدار میکند و این در حالیست که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند: «بغیر از مؤمن با کسی همنشین مشو و غذایت را غیر از پرهیزگار نخورد».

📚 احمد و ابوداود و ترمذی

و از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود روح ها سربازان گماشته شده ای هستند پس هر آنچه را که قبلاً شناخته اند با آن جمع شده و الفت میگیرند و هر آنچه را که هم قبلاً نشناخته باشند با او جمع نمی شوند و اختلاف میکنند.

📚 مسلم (۲۶۳۸)

و در حدیث ابو موسی رضی الله عنه آمده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مثال همنشین نیکوکار و همنشین بد مانند حمل کننده ی عطر و دم زننده در کوره ی آتش است پس حمل کننده ی عطر مسک یا به تو میدهد یا از او میخری و یا بوی خوشی به مشامت میرسد اما دم زننده در کوره ی آتش یا لباست را می سوزاند و یا بوی پلیدی به مشامت میرسد».

📚 بخاری (۵۵۳۴) و مسلم (۲۶۲۸)

پس چه سودی از اینگونه همنشینی میبری؟

▪ سوم پیشوا

پس از هر حزب و گروهی از سُنّی گرفته تا مبتدع و کافر تارک نماز و کسی که از دین بریده مانند روافض و علمانی و اسماعیلی باطنی و غلات صوفی قبوری و غیره همه ی آنها را غالبا یک مدرسه یکجا

نموده و همنشین میباشند؛ پس فراگیری چه علمی از آن توقع میرود؟ و چه اسوه ای از آنها جستجو میشود؟

بغیر از اظهار فسق شان!

ابن سیرین رحمه الله میگوید:

«همانا این علم دین میباشد پس ببینید از چه کسی دینتان را می گیرید».

📚 مسلم در مقدمه آن را روایت نموده

و از ابوذر رضی الله عنه روایت شده که فرمود:

«و همانا اینها عقل ندارند بلکه مال دنیا را جمع میکنند و به الله قسم که از مال دنیا از آنها نخواهم خواست و نه در مورد دین از آنها فتوا خواهم خواست تا اینکه الله متعال را ملاقات کنم».

📚 بخاری (۱۴۰۸) و مسلم (۹۹۲)

و این امام بخاری رحمه الله است که میگوید هرگز از کسی روایت نکردم مگر اینکه میگوید که ایمان قول و عمل است.

و ابو العالیه رحمه الله زمانی که میخواست از کسی علم بگیرد به نمازش نگاه می کرد پس اگر نمازش را به خوبی انجام میداد فبها و اگر نه از او علم نمی گرفت. پس چه رسد به کسی که اصلا نماز نخواند؟

این اشاراتی بود برای شخص عاقل و فهمیده که گمراهی و انحراف را برایش واضح می سازد.

پس تو را به الله قسم بگو که از مدیری که بالای سرش تصاویر پادشاهان آویزان است چه توقعی داری؛ در حالی که آن تصاویر را بزرگ و زیبا نموده است؟

پس همانگونه که در صحیحین از ابن عباس رضی الله عنهما آمده درباره ی قوم نوح که عبادت بتها در آن رواج یافته بود آیا سببش تعظیم تصاویر نبود؟

▪ شکستن حرمت تصویر

اما تو ای دانش آموز نمیتوانی در این مدارس داخل شوی مگر اینکه در ابتدای هر مرحله چند قطعه عکس بگیری تا اینکه از تمام مراحل درسی عبور کنی چگونه گناهان بر تو هجوم آورده و حرمت تصویر را میشکنی و به تحقیق که پیامبر صلی الله علیه وسلم خبر داده است که تصویر گیرندگان سخت ترین عذابها را خواهند دید و اینکه هر تصویر گیرنده ای در جهنم است و اینکه او از جمله ی ظالمان میباشد و نصوص در این باب از پیامبر صلی الله علیه و سلم به صورت متواتر موجود میباشد.

پس ای کسی که به این مدارس وارد میشوی آیا مدرسه ای از این سه تا یا یکی از آنها خالی میباشد؟

الله متعال می فرماید:

﴿وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذًا مِثْلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا﴾ [النساء: ١٤٠]

و مسلماً الله در قرآن این حکم را بر شما نازل کرده که چون شنیدید (افرادی) آیات الله متعال را انکار میکنند و آن را به ریشخند میگیرند با آنان ننشینید تا به سخن دیگری بپردازند و اگر با آنان بنشیند در این صورت قطعاً شما (نیز) هم مانند آنها خواهید بود. همانا الله متعال همه ی منافقان و کافران را در جهنم گرد می آورد.

پس از اتباع خواهشات و فریب شیطان داعیان گمراهی برحذر باش که دخول در مدارس را برایت تزیین دهند و ترغیب کنند. و این قول الله متعال را برایت یادآوری میکنم:

﴿إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَن يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [النور: ٥١]

سخن مؤمنان هنگامی که به سوی الله و پیامبرش خوانده شوند تا میان آنها داوری کند، فقط این است که میگویند شنیدیم و اطاعت کردیم و اینان همان رستگارانند.

﴿وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾ [النور: ٥٢]

و کسی که الله و پیامبرش را اطاعت کند و از الله متعال بترسد و از مخالفت فرمان او بپرهیزد پس اینانند که کامیاب (واقعی) هستند.

این زمانی است که نیت خالص باشد و با فراگیری علم رضایت الله را جستجو کند، و دنبال مدرک و درهم و دینار نباشد و اینکه دنبال این نباشد که برایش استاد و دکتر گفته شود. پس همراه آن باید عمل حقیقی هم باشد.

فضیل بن عیاض درباره ی این قول الله متعال میگوید: ﴿لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ [الملک : ٢]

«تا شما را بیازماید که کدام یک از شما نیکو کار تراست» فرمود: یعنی عمل خالص و حقیقی.

﴿فَمَن كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ [الکهف: ١١٠]

پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد باید کار شایسته انجام دهد و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نسازد.

پس ای بنده ی الله خودت را از این مدارسی که با دلهای مردم پیوند خورده نجات بده شاید که الله متعال تو را از عذابش نجات دهد.

و این قول الله متعال را برایت یادآور میشوم:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَّا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾ [التحريم: ٦]

ای کسانی که ایمان آورده اید خود تان و خانواده تان را از آتشی که هیزم آن مردم و سنگ هاست نگه دارید آتشی که بر آن فرشتگان خشن و سخت گیر گمارده شده که هرگز الله را در آنچه به آنان فرمان داده نافرمانی نمیکنند و هر چه فرمان می یابند انجام می دهند.

و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«و مرد بر خانواده اش عهده دار است و هر شخصی بر رعیتش مسؤول است خبر دار باشید همگیتان عهده دارید و همگیتان بر رعیت مسؤول میباشید».

📚 بخاری (۷۱۳۸) و مسلم (۱۸۲۹) از ابن عمر رضی الله عنه.

و از معقل بن یسار رضی الله عنه روایت است که از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که فرمودند: «هیچ بنده ای نیست که الله متعال رعیتی را در اختیارش قرار میدهد و زمانی میمیرد که او خائن به رعیتش بوده مگر اینکه بهشت را بر او حرام گردانیده است».

📚 بخاری (۷۱۵۰) و مسلم (۱۴۲)

و تو را بر حذر میدارم از اینکه خائن به رعیتت باشی!

الله متعال می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [الأنفال: ۲۷]

ای کسانی که ایمان آورده اید به الله و پیامبر (او) خیانت نکنید و (نیز) در امانت های خود در حالی که میدانید خیانت نورزید پس هنگامی که در جلو روی الله متعال می ایستی مسؤول میباشی.

﴿وَقِفُوهُمْ إِنَّهُم مَّسْئُولُونَ﴾ [الصافات: ۲۴]

و آنها را نگه دارید که یقینا باز خواست خواهند شد.

و در آخر یادآوری میکنم که اطاعت از مخلوق هر کس که باشد از پدر و مادر گرفته تا پایین تر در نافرمانی خالق وجود ندارد؛ همانگونه که از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت شده است:

«اطاعتی در نافرمانی الله نیست همانا اطاعت در نیکی میباشد.» و در روایتی آمده است:

«اگر دستور به معصیت دهد پس نه گوش کرده میشود و نه اطاعت می شود.»

إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ وَسَلَّمَ عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّد وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ.

ابو عبد الله حمد الحميدي الشمري تقبله الله